



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29. No 4. Winter 2023

Received date: 2023.04.04

Acceptance date: 2023.05.06



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.4.20.2

The institutional foundations of the state in the Islamic Republic of Iran; A new idea about governance

Mojtaba Shahriary¹



Abstract

The traditional Iranian state experienced decline and decay during the late Qajar period, and its continuity was not possible. After that, the institution of state underwent transformations throughout various historical periods, and this process continued until the Islamic Republic era. The main question in this article is what are the institutional foundations of the state in the Islamic Republic of Iran? Our hypothesis, based on the historical institutionalism approach, is that the institutional foundations of the state in Iran today are influenced by the institutional heritage of the traditional state ment, the institutional transformation of the state in the critical juncture of the constitutional revolution, the dependence on the oil path in the Pahlavi period, and the institutional transformation of the state in the critical juncture of the 1979 revolution. As a result, the state in Iran after the revolution has combined various elements of the traditional state, the constitutional state, and the Islamic state. The elements that have been combined in an incompatible mixture have different epistemological foundations and historical roots, and therefore, have caused internal conflicts within the state structure. In the present study, a novel theoretical configuration called the “Monticore State” was introduced to explain the unique nature of the state in the Islamic Revolution. On this basis, understanding the internal logic of the state, the formation and perpetuation of macro-scale policies in various areas, and, consequently, the pathology of governance in the Islamic Republic requires understanding the Monticore nature of the state, its institutional legacy, and its historical roots.

Keywords: Monticore state, Iran, Historical institutionalism, Oil.

¹ - PHD Candidate in Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۴، پیاپی (۱۱۰)، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۱,۲۹,۴,۲۰,۲

نوع مقاله: پژوهشی

بنیان‌های نهادی دولت در جمهوری اسلامی ایران؛ طرح ایده‌ای تازه در باب حکمرانی

مجتبی شهریاری^۱



چکیده

دولت سنتی ایران در اواخر دوره قاجاریه دچار زوال و انحطاط گردید و امکان استمرار آن وجود نداشت. پس از آن نهاد دولت طی ادوار تاریخی مختلف تحول نمود و این فرایند تا دوره جمهوری اسلامی تداوم یافت. پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که بنیان‌های نهادی دولت در جمهوری اسلامی کدام است؟ فرضیه ما بر مبنای رویکرد نهادگرایی تاریخی این است که بنیان‌های نهادی دولت در ایران امروز متأثر از میراث نهادی دولت سنتی، تحول نهادی دولت در مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب مشروطه، وابستگی به مسیر نفت از دوره پهلوی و تحول نهادی دولت در مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب ۱۳۵۷ است. از این رو دولت در ایران پس از انقلاب اجزای مختلفی از دولت سنتی، دولت مشروطه و دولت اسلامی را در خود ترکیب نموده است. این عناصر که در ترکیبی ناسازگار با یکدیگر قرار گرفته‌اند دارای بنیان‌های معرفتی و ریشه‌های تاریخی متفاوتی بوده و به همین دلیل ساخت درونی دولت را دچار تعارض نموده‌اند. در این پژوهش جهت تبیین ماهیت منحصر به فرد دولت در جمهوری اسلامی به صورت‌بندی تئوریک جدید با عنوان «دولت مانتیکوری» پرداخته‌ایم. بر این مبنا فهم منطق درونی دولت، چگونگی شکل‌گیری و استمرار سیاست‌های کلان در حوزه‌های مختلف و در نتیجه آسیب‌شناسی حکمرانی در جمهوری اسلامی، مستلزم فهم ماهیت مانتیکوری دولت، میراث نهادی و ریشه‌های تاریخی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: دولت مانتیکوری، ایران، نهادگرایی تاریخی، مقاطع سرنوشت‌ساز.

تکوین نهادی دولت در ایران را می‌توان از سه بعد مختلف مورد بررسی قرار داد: در بعد اول و از آنجا که خاستگاه دولت مدرن متعلق به اروپای غربی است، تکوین نهادی دولت مدرن در ایران دچار چالش‌ها و بحران‌هایی است که بسیاری از کشورهای جهان در فرایند دولت‌سازی با آن مواجه هستند. در بعد دوم مسئله نفت و پیامدهای آن بر فرایند دولت‌سازی در ایران است، از این منظر نیز در دولت‌هایی همچون ایران که ورود درآمدهای نفتی به ساختار اقتصاد آن‌ها پیش از تکوین نهادی دولت مدرن رخ داده است، مسیر تحول نهادی دولت، مکانیسم‌های درونی اقتصاد سیاسی و الگوی روابط دولت با محیط پیرامون خود وابسته به مسیر نفت گردیده است. بعد سوم در بررسی تکوین نهادی دولت در ایران به تحولات پس از انقلاب ۱۳۵۷ باز می‌گردد، به موجب این تحول، تشیع در ایران در موقعیت دولت‌سازی قرار گرفته و فرایند تحول نهادی دولت در جمهوری اسلامی تحت‌الشعاع سنت اسلام سیاسی قرار گرفت. بعد سوم تکوین و تحول نهادی دولت در ایران، موقعیت نسبتاً منحصربه‌فرد و پیچیده از ماهیت دولت ایجاد نموده که مستلزم صورت‌بندی نظریات و مفاهیم جدید جهت تبیین آن است.

در این پژوهش جهت تبیین بنیان‌های نهادی دولت در جمهوری اسلامی، متأثر از بینشی که نهادگرایی تاریخی در اختیارمان قرار می‌دهد ابتدا به میراث نهادی دولت در ایران پیشامدرن پرداخته و سپس به تحول نهادی دولت در دو مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که ماهیت دولت در ایران امروز به واسطه سیر تاریخی تکوین و تحول آن، پیچیده، چند وجهی، مرکب و متعارض است. همچنین بر اساس مفهوم وابستگی به مسیر نشان خواهیم داد که وابستگی به مسیر در حوزه نفت چگونه سیر تکوین و تحول نهادی دولت پهلوی و بنیان‌های نهادی دولت در جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است. در این پژوهش بر این باور هستیم که اگرچه هر یک از نظریات مرسوم دولت به وجهی از معمای دولت در ایران پرتو افکنده و بخشی از پیچیدگی‌های جعبه سیاه دولت را رمزگشایی می‌کند اما جهت درک ماهیت دولت در جمهوری اسلامی و درک منطق درونی آن نیازمند کاربست مفاهیم پیچیده‌تری هستیم. به این منظور در این پژوهش از مفهوم «دولت مانتیکوری»^۱ برای تبیین ماهیت دولت در جمهوری اسلامی و منطق درونی رفتار دولت بهره خواهیم برد. مانتیکور^۲ موجودی افسانه‌ای نشأت گرفته از افسانه‌های ایران باستان که دارای ساختاری مرکب از انسان و حیوان است. مانتیکور سر و چهره یک انسان و بدنی از حیوان دارد.^۳ این ساختار ترکیبی از اجزای مختلف است که در نظام آفرینش دارای خاستگاه متفاوت بوده و قواعد متفاوتی بر رفتار و زیست آن‌ها حاکم است. در عین حال این ساختار متفاوت و ناهمگون در یک پیکره جمع شده و به آن موجودیت واحد بخشیده است. مفهوم دولت مانتیکوری اشاره به ماهیت مرکب دولت از اجزای مختلف با منشاء و خاستگاه متفاوت دارد. دولت مانتیکوری پس از انقلاب دولتی است که در «ایده سازنده»، «ساختار» و «کارویژه‌های» خود یک دولت مرکب و متعارض است.

ایده سازنده دولت در جمهوری اسلامی همان‌طور که از عنوان آن پیداست مرکب از جمهوریت و اسلامیت است. منشاء و خاستگاه اجزای این ترکیب نهادی متفاوت است: در حالی که خاستگاه جمهوریت ریشه در دولت مدرن دارد خاستگاه اسلامیت در سنت است. ساختار دولت مانتیکوری نیز یک ساخت مرکب با اجزائی دارای منشاء متفاوت است. نهاد انتخابات به‌عنوان میراث نهادی انقلاب مشروطه، متأثر از رکن جمهوریت دولت و نهادهایی همچون ولایت فقیه، شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری متأثر از رکن اسلامیت آن می‌باشد. کارویژه‌های دولت مانتیکوری نیز دارای ماهیت مرکب و متعارض

^۱ Monticore

^۲ منبع: <https://www.etymonline.com/search?q=manticore>

هستند و مجموعه‌ای از کارویژه‌های ملی متأثر از عنصر سرزمینی دولت مدرن و کارویژه‌های فراملی متأثر از گرایش‌های امت‌گرایانه فقه اسلامی را بر عهده گرفته است.

(۱) پیشینه پژوهش

نظریه‌پردازی در رابطه با دولت در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، برخی پژوهشگران همچون کاتوزیان (۱۳۷۷) با استفاده از نظریه استبداد شرقی یا شیوه تولید آسیایی مارکس و انگلس به ماهیت دولت در ایران پیشامدرن پرداخته‌اند. بشیریه (۱۳۸۰) از نظریه دولت مطلقه برای تبیین ماهیت دولت در دوره رضا شاه بهره می‌گیرد. رواسانی (۱۳۹۰) تحت تاثیر نظریه وابستگی، دولت پهلوی را یک دولت وابسته تلقی می‌کند که تحت سیطره انگلیس و آمریکا بود. گازیورسکی (۱۳۷۱) از مفهوم دولت دست‌نشانده برای توضیح ماهیت دولت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ استفاده می‌کند. شهابی و لینز (۱۳۹۳) با طرح نظریه نظام سلطانی، دولت پهلوی را نیز ذیل چنین نظامی تعریف نموده‌اند. عظیمی آرانی (۱۳۹۱) و شاکری (۱۳۹۵) معتقدند ایران با وقوع انقلاب مشروطیت در هم شکستن نظام سنتی را طی نموده اما هنوز در مرحله «پی‌ریزی نظام مدرن» مانده است. کاتوزیان (۱۳۷۲) و (۱۳۷۵) با طرح نظریه شبه‌مدرنیسم و کاربست نظریه سلطانیسم به دنبال آن بود تا کارکرد دولت پهلوی را توضیح دهد. حاجی یوسفی (۱۳۸۸) و مهدوی (۱۹۷۰) دولت در دوره پهلوی را در چارچوب مفهوم دولت رانتیر و کارل (۱۳۸۸) در چارچوب مفهوم دولت نفتی مورد بررسی قرار داده‌اند.

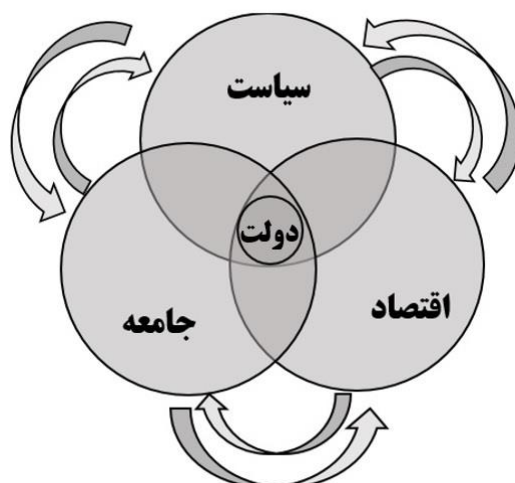
اسکاچپول (۱۹۹۶) به دنبال تبیین انقلاب ۱۳۵۷ با استفاده از مفهوم دولت رانتیر و اسلام شیعی است. تبیین ماهیت دولت بر مبنای رانتیریسم در دوره جمهوری اسلامی توسط میرترابی (۱۳۹۳) و شیرکوند (۱۳۹۸) صورت پذیرفته است. غنی‌نژاد (۱۳۹۵) ضمن نقد تفسیرهای ماتریالیستی تاریخ ایران، نقش اعتقادات و ارزش‌ها را در تحول نهادی دولت برجسته می‌داند. بشیریه (۱۳۹۲) دولت در جمهوری اسلامی را «دولت ایدئولوژیک» می‌نامد. وی اصل اساسی ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی را تاکید بر سنت اسلامی به عنوان منشأ همه ارزش‌ها و هنجارهای مقبول می‌داند به گونه‌ای که حقوق و تکالیف و امتیازات اجتماعی تنها در چارچوب سنتی پذیرفته می‌شوند که به وسیله فقها تعبیر و تفسیر می‌شود. دلفروز (۱۳۹۳) با بررسی مقایسه‌ای ایران و دولت‌های توسعه‌گرا نشان می‌دهد تفاوت‌های بنیادی میان ساخت اقتصادی و ساخت سیاسی در ایران و این کشورها وجود دارد که این تفاوت‌ها در نگرش نخبگان به اهداف کلان ملی، رابطه دولت و نیروهای اجتماعی، ظرفیت نهادی دیوانسالاری و جامعه مدنی انعکاس یافته و فضای نهادی نامساعدی را برای توسعه اقتصادی رقم زده است. فیرحی (۱۳۹۷) با اشاره به اینکه تشیع فقط در ایران در موقعیت دولت‌سازی قرار دارد و در نقاط دیگر جهان تشیع در بهترین حالت متقاضی تساهل عمومی یا مشارکت اندک در دولت است، برای تبیین ویژگی‌های متمایز ساخت قدرت ایرانی است و از عنوان «دولت مرکب» استفاده می‌کند. ستاری (۱۳۹۰) ضمن ارائه یک صورتبندی تئوریک جدید، رهیافت پارادایم قدرت را جایگزین نظام سیاسی و دولت نموده است. وی بر این نکته تاکید دارد که پارادایم قدرت جمهوری اسلامی اساساً متفاوت و قیاس‌ناپذیر از هر پارادایم قدرت دیگر است. حجاریان (۱۳۷۹) خصلت رانتی بودن، پاتریمونیالیسم، کارگزار پروری، نامحدود بودن قدرت دولت، خلق‌گرایی یا مردم‌زدگی، گسترش اندازه دولت و تنوع منابع مشروعیت را از مهم‌ترین ناهنجاری‌ها و ناکارکردی‌های تاریخی دولت در ایران در ادوار مختلف می‌داند. سیف‌زاده (۱۳۸۶) بر این باور است که دولت جمهوری اسلامی به عنوان استثنائی‌ترین دولت در جهان امروزی در هر سه عرصه ساخت قدرت، اعمال قدرت و منابع مشروعیت، منعکس‌کننده شکل ترکیبی (سنتی و مدرن) از دولت است. در این پژوهش با صورتبندی تئوریک مفهوم «دولت مانتیکوری» از یک طرف ادبیات دولت رانتیر در تبیین ماهیت دولت در ایران پس از انقلاب را تقلیل‌گرایانه دانسته و نفت را متغیری واسطه و نه مستقل در تبیین ماهیت دولت در نظر می‌گیریم و از طرف دیگر به دنبال گشودن افق جدیدی جهت تبیین‌های اقتصاد سیاسی در جمهوری اسلامی بر مبنای ماهیت منحصربه‌فرد دولت و منطق خاص درونی آن هستیم.

۲) چارچوب نظری

در این پژوهش از رویکرد نهادگرایی تاریخی با تمرکز بر سیر تکوین و تحول نهادی دولت بهره خواهیم برد. امروزه نهادگرایی یک سنت بزرگ در تحلیل‌های اقتصادی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... محسوب می‌شود. تحلیل‌های نهادی عمدتاً تحلیل‌های بین‌رشته‌ای محسوب می‌گردند و از ظرفیت رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و... جهت تبیین پدیده‌ها بهره می‌گیرند. تمرکز نهادگرایی تاریخی بر ارتقای فهم دانشمندان علوم سیاسی در رابطه با منشاء، تکوین و پیامدهای ناشی از نهادهای ساخته دست بشر طی زمان است (Fioretos, Falleti & Sheingate, 2016: 4-5). نهادگرایان تاریخی از ابزارهای مفهومی کلیدی برای تبیین‌های نظری خود بهره می‌برند، مفاهیم وابستگی به مسیر^۱ و مقاطع سرنوشت‌ساز از این جمله هستند. مفهوم وابستگی به مسیر برای اثرگذاری نقش سیاست‌ها و میراث نهادی گذشته بر نهادها و سیاست‌های فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این مبنا نهادها، همه چیزهایی را که از گذشته به ارث می‌رسد، در خود جمع می‌کنند که در کشوری معین و زمانی خاص، از این پدیده با عنوان ماتریس نهادی یاد می‌شود (چانس، ۱۳۹۰: ۱۲۶). مفهوم مقاطع سرنوشت‌ساز اشاره به رویدادها و تحولات گذشته دارد که در دوره نسبتاً کوتاهی حادث شده‌اند و اثر تعیین‌کننده‌ای در پیامدهای بعد از خود دارند. در نهادگرایی تاریخی، مقاطع سرنوشت‌ساز به عنوان لحظه‌ای از عدم قطعیت و سیالیت ساختاری تصور می‌شود که گزینه‌های مختلف نوآوری و تغییر نهادی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. یک انتخاب به عنوان نتیجه تعاملات سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌پذیرد و این انتخاب اولیه میراث نهادی ماندگاری را با خود به دنبال خواهد داشت. مطالعات تاریخی و تطبیقی تفصیلی از فرایندهای سیاسی در مقاطع سرنوشت‌ساز، باید در شرایطی بنا شود که میراث بادوامی داشته باشند. موضوعی که از نظر مفهومی در نهادگرایی تاریخی به عنوان وابستگی به مسیر مطرح می‌شود. وابستگی به مسیر، پیامدهای درازمدت یک انتخاب را از میان سایر انتخاب‌های ممکن در لحظه‌های نسبتاً نادر گشودگی سیاسی برجسته می‌کند (Capoccia, 2016: 90-102). در رویکرد نهادگرایی تاریخی، تعیین و تشخیص سازوکارهایی که مقاطع سرنوشت‌ساز را تبدیل به میراث‌های سیاسی ماندگار کنند از اهمیت بالایی برخوردار است و پرداختن به این موضوع که چه چیزی موجب تداوم ظهور ترتیبات نهادی از درون مقاطع سرنوشت‌ساز می‌شود، کلیدی است.

شکل یک مدل مفهومی که ما جهت تبیین ماهیت نهاد دولت به کار می‌بریم را نشان می‌دهد. در این مدل دولت مرکز ثقل سه حوزه سیاست/اقتصاد/جامعه می‌باشد و از این رو محور نظم‌بخشی به زندگی بشری است. بر مبنای این صورتبندی مفهومی، تبیین ماهیت دولت به صورت تک‌بعدی و بدون توجه به رابطه متقابلی دولت و سایر حوزه‌ها در یک بستر تاریخی امکان‌پذیر نمی‌باشد. با در نظر گرفتن تمایز مفهومی دولت نسبت به سایر حوزه‌ها می‌توان مدل مفهومی پیچیده‌تری را صورتبندی نمود که در آن دولت به صورت نسبی دارای ماهیتی مستقل نسبت به سه ساحت اقتصاد/سیاست/جامعه هست، در عین حال در روابط دوسویه و متقابل با هر یک از این حوزه‌ها می‌باشد.

^۱ Path-Dependence
^۲ Critical Junctures



شکل ۱. مدل مفهومی دولت

بررسی تکوین نهادی دولت از منظر رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در ایران توسط پژوهشگران مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ فوران، ۱۳۷۷؛ بشیریه، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۲؛ کاظمی، ۱۳۹۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵؛ زیبایی، ۱۴۰۰). این سنت تحلیلی دارای اشتراکات بسیاری با نهادگرایی تاریخی می‌باشد. میرترابی (۱۳۹۷) از معدود پژوهشگرانی است که روند دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب را بر مبنای رویکرد نهادگرایی تاریخی مورد توجه قرار داده است، بررسی وی نشان می‌دهد جنبش انقلابی ایران پسانقلابی، توانایی بالایی در زمینه نهادسازی از پایین از خود نشان داد که به واسطه آن خلاء ناشی از فروپاشی ساختارهای قبلی قدرت در نبود سازمان حزبی موثر در جریان انقلاب پر شد. توجه وی عمدتاً بر نهادهای انقلابی تازه تاسیس پس از پیروزی انقلاب می‌باشد تا نهاد دولت، که نهاد نهادها به‌شمار می‌آید. در پژوهش حاضر ماهیت نهاد دولت در جمهوری اسلامی بر مبنای میراث نهادی و سیر تحول آن در مقاطع سرنوشت‌ساز تاریخی همچون انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ بررسی می‌گردد.

۳) میراث نهادی دولت سنتی

پیش از پرداختن به ویژگی‌های دولت در ایران پیشامدرن ابتدا تعریف دولت را ارائه می‌نمایم: واژه دولت (State) از واژه لاتین *Stare* به معنی ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه *Status* به معنی وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. دولت مدرن دارای چهار رکن اصلی سرزمین، مردم، حاکمیت و حکومت می‌باشد. دولت قدرت عام و مستدامی است که بالاتر از حکام و اتباع ایشان قرار دارد و از نظر جغرافیایی در سرزمین مشخصی واقع است و بر آن حکمرانی می‌کند. دولت به‌عنوان مدعی سلطه انحصاری در درون قلمرو خویش است و به این معنا واجد حاکمیت و مدعی سلطه یا تفوق بر کل سازمان‌ها و تشکلات یا گروه‌های داخلی است (وینسنت، ۱۳۷۶: ۴۴-۳۶).

به دلیل غلبه ساخت ایلی و عشیره‌ای بر جامعه ایران، ساختار دولت سنتی در ایران ساختاری عشیره‌ای و قبیله‌ای بود، از همین رو قدرت گرفتن یک قبیله از نظر نظامی و یا اتحاد قبایل با یکدیگر بالقوه می‌توانست ساخت سیاسی در کشور را متحول کرده و موجب تغییر سلسله پادشاهی شود. سلسله‌های غزنوی، سلجوقی، خوارزمی، مغول و بعدها تیموریان، صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه همه بر اساس این الگو به قدرت رسیده و یا از قدرت سرنگون شدند (دلیرپور، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۱۹). دولت سنتی در ایران بر ترکیبی از نگرش‌های ایران باستان و انگاره‌های سیاسی تشیع استوار بود. اندیشه ایران شهری و شاهنشاهی مبتنی بر فره ایزدی با نگرش اسلامی به سیاست که در آن دین و دولت ترکیب شده بودند، همسویی و سازگاری داشت. ظهور دولت صفویه اوج ترکیب اندیشه‌های ایرانی و اسلام شیعی بود. در اندیشه اسلامی از چهار عنصر

دولت، تنها حکومت وجود داشت در حالی که اندیشه ایرانی، سرزمین در کنار حکومت جایگاه ویژه‌ای داشت. مفهوم حاکمیت در اندیشه اسلامی و ایرانی همسو بود و حاکمیت از آن خداوند تلقی می‌شد و تفاوت در مرجع نمایندگی حاکمیت خدا بر زمین بود که در اندیشه اسلامی خلیفه و در اندیشه ایرانی شاه بود. مفهوم ملت هم در اندیشه ایرانی و اسلامی بلاموضوع بود زیرا اقوام گوناگون به شرط اطاعت از پادشاه ایران، جزء رعایای ایرانی محسوب می‌شدند و پذیرش اسلام افراد را جزء امت مسلمان قرار می‌داد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۷۸؛ بدیع، ۱۳۸۰: ۳۹).

چهار سلسله حکومتی صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه با اتکا به سه نوع پیوند مذهبی، نظامی و ایلی موفق به تشکیل دولت شدند. در ساخت دین‌سالارانه دولت در دوره صفوی، اقتدار مذهبی و سیاسی در دست شاه متمرکز بود در عین حال قدرت به صورت گسترده در میان نخبگان توزیع شده و در ساخت نهادی لایه مذهبی نسبت به دو لایه نظامی و دیوانی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. در دولت در دوره افشاریه نوع پیوند نخبگان موسس نظامی بود و متناسب با آن ساخت دولت شکل میلیتاریست قبیله‌ای به خود گرفت به همین دلیل در ساخت نهادی دولت، موقعیت روحانیون و دیوان‌سالاران تضعیف و نظامیان نقش بالادست را بر عهده گرفتند. ساخت دولت در دوره زندیه از گستردگی کمتری برخوردار بود و تشکیلات مذهبی در این دوره نسبتاً محدود بود. در دوره قاجاریه، گستردگی پایگاه اجتماعی ایل قاجار در کنار تعصبات قبیله‌ای باعث شد تا شاهان قاجار، نخبگان نظامی و سیاسی خود را از بین اعضای ایل انتخاب کنند و تنها استثنا در این مورد خاندان‌های دیوان‌سالار بودند. ساختار نهادی قاجاریه ترکیبی از میراث صفوی و عناصر ایلی بود، تلاش‌های صورت گرفته در دوره قاجار جهت اصلاح نهادی دولت با موانع تاریخی همچون تصلب ساختار قدرت، منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و محدودیت‌های ناشی از پیوند ایلی ناکام ماند (درستی، ۱۳۹۱: ۳۰۰-۲۹۶).

در دوره قاجاریه که با زوال دولت سنتی در ایران نیز همراه بود، اعلان جنگ، عقد صلح، بستن پیمان، واگذاری تیول، اعطای مناصب، تعیین و وصول مالیات با شاه بود. شاه بالاترین مرجع در نظام قضایی کشور محسوب می‌شد، اختیار مرگ و زندگی همه اتباع کشور در دست او بود و می‌توانست نسبت به مال و منال هر یک از شهروندان کشور ادعا داشته باشد. با این اختیارات، شکل حکومتی ایران، استبدادی و آمرانه بود و این استبداد و آمریت تا پایین‌ترین سطوح دولت امتداد و بازتاب می‌یافت. قدرت استبداد سنتی ایران ناشی از ضعف مالکیت خصوصی بر زمین بود. دولت خود قانون بود و در هر زمان و هر کجا که می‌خواست می‌توانست زمین و اموال رعایای خود را مصادره کند. با وجود این منابع مختلف درآمد و دارایی، دولت می‌توانست با تخصیص زمین و امتیازات و یا پس گرفتن آن‌ها به دلخواه خویش، طبقات دیوانی و ثروتمند را پاداش دهد، یا مجازات کند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۸۷؛ فوران، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

۴) تحول نهادی دولت در دوره مشروطه‌خواهی

اگرچه انقلاب مشروطه به واسطه برخی تحولات در سال‌های پیش از انقلاب کلید خورد اما در یک تحلیل کلان بایستی آن را واکنشی به بحران دولت سنتی در تاریخ ایران دانست، از این رو انقلاب مشروطه مقطعی سرنوشت‌ساز در تحول نهادی دولت سنتی و گذار به دولت امروزی محسوب می‌گردد. در اینجا تصریح ابعاد مختلف دولت مدرن و تعیین مرزهای آن از دولت سنتی ضروری می‌باشد. دولت مدرن دارای ترتیبات نهادی، اجرایی، قضائی و تقنینی بر اساس اصل تفکیک قواست. این دولت انحصار مشروع زور را در اختیار دارد و زمینه‌ساز تمرکز در منابع قدرت سیاسی است. در دولت مدرن روابط پاتریمونیالیستی و مبتنی بر خویشاوندی جای خود را به قانون می‌دهد و مشروعیت نظام سیاسی از آسمان به زمین و از منبع الهی به مردم منتقل می‌شود. در دولت مدرن، انفکاک ساختاری وجود دارد و حوزه سیاست از سایر حوزه‌ها به‌ویژه مذهب مستقل است. کارکرد دولت معطوف به خیر عمومی است و دولت در قبال مردم پاسخگو می‌باشد.

مظفرالدین شاه قاجار که از ضعف نهادی دولت سنتی ایران و عدم امکان استمرار آن به‌خوبی آگاه بود، با صدور فرمان مشروطیت^۱ در ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ نقش مهمی در مدیریت زوال دولت سنتی در دوره گذار ایفا نمود. به موجب فرمان مشروطیت مقرر گردید «مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان، علما، قاجاریه، اعیان، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل شود تا به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس اقدام نماید». این فرمان در واقع آغاز تحول دولت سنتی و ورود به دوره گذار نهاد دولت در تاریخ ایران محسوب می‌گردد. بررسی متون قانون اساسی مشروطه^۲ و متمم آن، مهم‌ترین محورهای مد نظر نخبگان مشروطه جهت تحول نهادی دولت طی بزنگاه تاریخی انقلاب مشروطه را نشان می‌دهد؛ در زیر به مهم‌ترین این محورها می‌پردازیم:

۱- شکل‌گیری قانون: شاید بتوان مهم‌ترین هدف نخبگان مشروطه در تحول نهادی دولت طی انقلاب مشروطه را اضافه شدن مفهوم «قانون» به نهاد دولت به مفهومی جدید و خارج از اراده شاه دانست. پیش از انقلاب مشروطه، اراده شاه قانون محسوب می‌گردید و در دولت سنتی اساساً مفهومی به نام قانون به تعبیر جدید آن وجود نداشت. به دنبال تحولات صورت گرفته طی انقلاب مشروطه، نه تنها اراده شاه محدود به قانون گردید بلکه سایر امور و ارکان دولت نیز ذیل مفهوم قانون تعریف گردید از جمله بر مبنای اصل سوم متمم قانون اساسی مشروطه، حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر به موجب قانون، بر مبنای اصل نهم، افراد از حیث جان، مال، مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید. بر مبنای اصل دوازدهم حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون، بر مبنای اصل بیست و ششم قوای مملکت (مقننه، اجرائیه و قضائیه) ناشی از ملت است و طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌نماید.

۲- نهاد انتخابات: به موجب قانون اساسی مشروطه، کلیه قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. به موجب اصل دوم و سوم این قانون، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند و مرکب است از اعضای که در تهران و ایالات انتخاب می‌شوند. بر مبنای اصل چهارم و پنجم انتخاب نیمی از اعضای مجلس سنا بر عهده ملت است. به این ترتیب مفهوم نمایندگی و حق حاکمیت ملت بر سرنوشت خود به درون ساخت نهادی دولت افزوده گردید. نهاد انتخابات در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی نیز استمرار یافت.

۳- سلطنت مشروطه: طی انقلاب مشروطه نهاد سلطنت استمرار یافت اما دچار یک تحول بنیادی شد. در دولت سنتی اراده شاه قانون محسوب می‌گردید و هیچ قید مکتوبی بر اراده شاهی وجود نداشت اما در دولت مشروطه نهاد سلطنت، مشروط به قانون گردید. بر اساس اصل سی و پنجم متمم قانون اساسی مشروطه^۳، سلطنت و دیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده است. بر اساس اصل سی و نهم هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی‌تواند جلوس کند مگر اینکه قسم یاد کند: «حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارد، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نماید». بر این اساس اهم وظایف و اختیارات شاه شامل: عزل و نصب وزرا، تعیین نیمی از اعضای مجلس سنا، اعلان جنگ و عقد صلح، اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری، فرمانفرمائی

^۱ - فرمان مشروطیت <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134221>

^۲ - قانون مشروطیت <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133413>

^۳ - متمم قانون اساسی مشروطه <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414>

کل قشون بری و بحری بود. بر اساس اصل پنجاه و هفتم متمم قانون اساسی مشروطه، اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت تصریح شده است.

۴- تفکیک قوا: در حالی که در دولت سنتی ساخت قدرت نسبتاً ساده بود، قوه مقننه وجود نداشت و قوه قضائیه عمدتاً محدود به محاکم سنتی بود و اراده پادشاه تعیین‌کننده امور دولت بود، نخبگان مشروطه تلاش نمودند اصل تفکیک قوا را که از ویژگی‌های دولت مدرن است به ساخت نهادی دولت اضافه نمایند. به موجب اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مشروطه قوای مملکت به سه شعبه مقننه، قضائیه و اجرائیه تجزیه می‌شوند و قوای مزبور از یکدیگر ممتاز و منفصل هستند. نکته قابل تأمل این است که این ساخت نهادی به صورت شکلی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی نیز استمرار یافت اگرچه تا تحقق آن با توجه به فلسفه تفکیک قوا و کنترل قدرت با قدرت فاصله بسیاری وجود دارد.

انقلاب مشروطه در ایران با استفاده از بسیج اجتماعی روحانیون و ایده‌های نوسازانه نخبگان جدید علیه استبداد شاه به پیروزی رسید و همین ائتلاف، عامل شکست آن نیز بود. در حالی که شکل‌گیری دولت مدرن در اروپای غربی تحت تأثیر منازعه نیروهای سنتی همچون فئودال‌ها و طبقه جدید سرمایه‌دار شکل گرفت و سیر تکوین و تحول تاریخی دولت در نقاط مختلف از درون نتیجه این منازعه بیرون می‌آمد. تکوین دولت مدرن در انقلاب مشروطه ایران درگیر پارادوکس تاریخی بود که پیامدهای آن تا به امروز بر ساختار دولت در ایران سایه افکنده است. طبقات سنتی و مدرن نه برابر یکدیگر، بلکه در کنار هم در برابر استبداد سلطنتی ایستادند و منازعه این نیروها که دارای نظام ارزش‌ها و منافع متفاوت و متعارض بودند، در دوره‌های بعد تحول نهادی دولت را تحت تأثیر قرار داد.

زیبایی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد مداخله قدرت‌های بزرگ در فرایند شکل‌گیری دولت مدرن در خاورمیانه پیامدهای مخربی را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که چنین دولت‌هایی بیش از آنکه بر جریان‌های اجتماعی جوامع متکی باشند، بر قدرت استبدادی برآمده از زور و اجبار تکیه دارند. پیامد چنین مداخله‌ای در تحول نهادی دولت در ایران نیز چشمگیر بوده است، به گونه‌ای که اشغال ایران در جنگ جهانی اول یکی از دلایل اصلی شکست جنبش مشروطه بود. ظهور سیاسی رضاخان از درون کودتا ۱۲۹۹ با حمایت انگلستان صورت پذیرفت و پایان دوره سلطنت وی نیز به واسطه اشغال ایران توسط نیروهای متفین در جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ بود، شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت با کودتای ۲۸ مرداد و استمرار سلطنت پهلوی دوم پس از کودتا با حمایت آمریکایی‌ها صورت پذیرفت.

۵) دولت پهلوی، میراث نهادی و وابستگی به مسیر نفت

انقلاب مشروطه جهت شکل‌گیری نظام پارلمانی و حکومت قانون شکل گرفته بود اما حاصل آن هرج و مرج و شکل‌گیری یک دولت ناتوان بود. در نقطه مقابل پهلوی اول اگرچه به روح انقلاب مشروطه باور نداشت اما توانست دولتی قدرتمند تشکیل دهد و نظم و سامان سیاسی را به کشور بازگرداند. رضا شاه اگرچه امکان حذف نهاد انتخابات و مجلس به عنوان میراث‌های نهادی انقلاب مشروطه را نداشت ولی آن‌ها را بی‌اثر کرد و نتیجه انتخابات در مجلس ششم تا سیزدهم عمدتاً توسط شخص شاه تعیین می‌شد. وی اگرچه فقط با تغییر در اصول ۳۶ تا ۳۸ متمم قانون اساسی مشروطه به سلطنت رسید اما به تحدید اراده شاه به وسیله قانون و سلطنت مشروطه باور نداشت و به این ترتیب مهم‌ترین میراث نهادی انقلاب مشروطه را زیر پا گذاشت.

در دوره پهلوی اول با تشکیل ارتش نوین، قانون سربازگیری اجباری و افزایش پنج برابری بودجه دفاعی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ تحول بزرگی در حوزه دفاع و امنیت ایجاد شد. علی‌اکبر داور معمار دادگستری نوین ایران به نوسازی کامل دستگاه قضایی پرداخت و حقوقدانان تحصیل کرده جدید را جایگزین قضات سنتی کرد. اصلاحات آموزشی، توسعه راه‌ها، اجرای خطوط راه‌آهن سراسری و توسعه صنعتی از دیگر کارویژه‌های دولت پهلوی اول بود (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۸۵-۱۶۹). درآمد‌های

نفتی در دوره رضا شاه کسر کوچکی از بودجه دولت را شکل می‌داد ولی در سال‌های سلطنت محمدرضا شاه سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور به گونه‌ای افزایش یافت که نفت را به متغیری کلیدی در رشد بروکراسی، گسترش دامنه کارویژه‌های دولت و شکل‌گیری الگوی روابط آن با محیط پیرامون خود تبدیل نمود. به این ترتیب تحول نهادی دولت در ایران به‌ویژه از دوره پهلوی دوم وابسته به مسیر نفت گردید. درآمد دولت از فروش نفت در سال ۱۳۲۰ حدود ۱۵ میلیون دلار، در سال ۱۳۳۰ حدود ۴۵ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۰ به یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار رسید. اوج درآمد دولت از فروش نفت از سال ۱۳۵۲ به بعد آغاز شد. در این سال درآمد نفت به پنج میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و در سال بعد به بیش از ۱۸ میلیارد دلار افزایش یافت در حالی که تولید روزانه از ۶/۲۱ میلیون بشکه فزون‌تر نشد و سرانجام در سال ۱۳۵۶ به‌رغم کاهش تولید روزانه تا سطح ۵/۶۶۲ میلیون بشکه میزان درآمد به مرز ۲۰/۷ میلیارد رسید. به همین نسبت سهم صادرات نفت از کل صادرات ایران از ۶۸/۸ درصد به حدود ۹۳ درصد و سهم نفت در تولید ناخالص ملی از حدود ۹ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۳ رسید (ازغندی، ۱۳۷۲: ۳۴۶-۳۴۵).

در این پژوهش متاثر از نسل دوم مطالعات نفت همچون اسمیت (۲۰۰۴) و (۲۰۰۷) و لویی (۲۰۰۹) اثر نفت بر ماهیت دولت در ایران و نوع رابطه آن با محیط پیرامون خود را به‌صورت مشروط در نظر می‌گیریم. نگاه ما به نفت نه به‌عنوان متغیری ساختاری و با پیامدهای نسبتاً مشخص بر نهاد دولت، بلکه در نسبت آن با میراث دولت سنتی و تحولات نهادی دولت در دو مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ خواهد بود. افزایش درآمدهای نفتی در دوره پهلوی دوم استقلال دولت را از طبقات و گروه‌های اجتماعی قدرتمند همچون مالکین بزرگ و روحانیون فراهم نمود. دولت مجری اصلی پروژه‌های توسعه در کشور شد و منابع مالی این پروژه‌ها نه از محل پرداخت مالیات توسط مردم بلکه از درآمدهای نفتی بود، از این رو نه تنها دولت به جامعه وابسته نبود بلکه این جامعه بود که به دولت وابسته شد. از این رو نه تنها نهاد دولت بلکه الگوی روابط آن با محیط پیرامون خود وابسته به مسیر نفت گردید.

دولت سنتی در ایران کارویژه‌های نسبتاً محدودی بر عهده داشت ولی در دوره پهلوی و با افزایش درآمدهای نفتی دولت به موتور توسعه کشور تبدیل شد و کارویژه‌های آن به شکل دائمی بسط یافت. به گونه‌ای که از سال ۱۳۲۷ تا پایان دوره پهلوی دوم پنج برنامه عمرانی به تصویب و اجرا رسید. در قانون برنامه هفت‌ساله اول عمرانی کشور (۱۳۳۴-۱۳۲۷) در مجموع ۲۱ میلیارد ریال بودجه جهت شش سرفصل اصلی کشاورزی، راه‌های شوسه، بنادر و فرودگاه‌ها، صنایع و معادن، نفت، پست، تلگراف، تلفن و اصلاحات اجتماعی و شهری پیش‌بینی گردید. این رقم در قانون برنامه دوم عمرانی کشور به ۵۲٫۸ میلیارد ریال، در قانون برنامه سوم به ۲۳۰، در برنامه چهارم به ۴۸۰ و در برنامه پنجم به ۱۵۶۰ میلیارد ریال برای ۲۱ سرفصل اصلی اعتبار عمرانی پیش‌بینی شد. منابع این برنامه‌ها عمدتاً از درآمدهای نفتی و درآمد گاز و پتروشیمی تامین می‌شد (<https://qavanin.ir/>).

تأثیر نفت بر روابط دولت و جامعه به واسطه گسترش بروکراسی نیز قابل ملاحظه بود. گسترش درآمدهای نفتی و قرارگیری دولت به‌عنوان موتور توسعه کشور، ضرورت بسط بروکراسی را در کشور ضروری می‌ساخت تا از آن طریق نه تنها دولت بتواند سیاست‌های خود را به نحو احسن اعمال نماید بلکه در توزیع رانت میان جامعه موفق‌تر باشد. در عین حال توزیع فرصت‌های بروکراتیک در سطوح مختلف چه از منظر ایجاد اشتغال و چه از منظر وجود مناصب متعدد که منبع دسترسی به رانت محسوب می‌گردید ابزار موثری جهت کنترل جامعه به حساب می‌آمد. در حالی که در اوایل دوره قاجار دیوان‌سالاری ایران شکل کاملاً جنینی داشت و آقا محمدخان یک کابینه خیمه‌ای سه نفره داشت و جانشینان وی نیز نتوانستند موانع و مشکلات مالی ایجاد یک نهاد اداری گسترده و توانا را از میان بردارند اما وضعیت در دوره پهلوی کاملاً متفاوت بود. افزایش درآمدهای نفتی موانع و مشکلات مالی ایجاد یک بروکراسی گسترده را برطرف نمود به‌طوری که در اواخر دوره پهلوی در

سال ۱۳۵۶ دیوان‌سالاری دولتی شامل ۱۹ وزیر و بیش از ۳۰۰ هزار کارمند بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۹-۴۸؛ فوران، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

۶) انقلاب ۱۳۵۷ و شکل‌گیری دولت مانتیکوری

از منظر نهادگرایی تاریخی، مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب ۱۳۵۷ از یک طرف عامل تزلزل قواعد نهادی پیشین سیاست گردیده و سیالیت ساختاری را ایجاد نمود تا نخبگان انقلابی طی منازعه‌ای تاریخی قواعد نهادی دولت جدید را بنا نمایند و از طرف دیگر کنش نخبگان نهادساز به وسیله میراث نهادی دولت سنتی، دولت مشروطه و دولت پهلوی محدود و مشروط گردیده بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷، گروه‌های مختلف اسلام‌گرا، لیبرال و چپ‌گرا که در مبارزه با رژیم شاه فعال بودند به رقابت با یکدیگر جهت کسب قدرت و ایفای نقش جهت تعیین نظم سیاسی جدید پرداختند و دو دسته از این گروه‌ها ساختار قدرت را در اختیار گرفتند: دسته اول که شخصیت‌های موثر آن عمدتاً روحانیون بودند و پس از انقلاب اقدام به تشکیل حزب جمهوری اسلامی نمودند شورای انقلاب را در اختیار داشتند. مهم‌ترین خواسته این گروه‌ها تأسیس حکومت دینی و اجرای احکام اسلامی از طریق نظام سیاسی بود. دسته دوم احزاب و گروه‌های لیبرال طبقه متوسط همچون نهضت آزادی و جبهه ملی بودند که دولت موقت را در اختیار گرفتند. خواست اصلی آن‌ها تحقق آرمان‌های انقلاب مشروطه، شکل‌گیری حکومت جمهوری و دموکراسی پارلمانی بود. دسته اول به دلیل پایگاه اجتماعی بزرگتر و امکان بسیج توده‌ای گسترده‌تر در رقابت بر سر تعیین ماهیت نظام سیاسی جدید، موفق‌تر عمل نمودند. اسلام‌گرایان سنتی به رهبری روحانیون اکثریت اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی را تشکیل دادند و این نقطه آغاز تحول نهادی دولت بود (بشیریه، ۱۳۹۲: ۴۶-۲۷). در زیر به مهم‌ترین تحولات نهادی دولت طی مقطع سرنوشت‌ساز انقلاب ۱۳۵۷ می‌پردازیم:

۱- فروپاشی سلطنت به‌عنوان میراث نهادی دولت سنتی: به موجب انقلاب ۱۳۵۷ و تحولات پس از آن، نهاد سلطنت و دربار دچار فروپاشی و از ساخت سیاسی جدید به‌طور کامل حذف گردید. توجه به این نکته حائز اهمیت است که طی انقلاب مشروطه و با تدوین قانون اساسی و متمم آن، انقلابیون ضمن حفظ نهاد سلطنت، به دنبال مشروط نمودن آن به قانون بودند. اما با ناکامی در دستیابی به این هدف طی حدود هفت دهه پس از آن، این بار جهت ریشه‌کن نمودن استبداد اقدام به حذف نهاد سلطنت در ساختار رسمی دولت نمودند.

۲- استمرار نهاد انتخابات به‌عنوان میراث نهادی انقلاب مشروطه: به موجب اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و از راه انتخابات رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای است (جهانگیر، ۱۳۹۶: ۳۲). در ساختار نظام سیاسی جدید نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت و نهاد ریاست‌جمهوری به ساختار نهادی دولت اضافه گردید، تا پیش از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رئیس‌جمهور نسبت به انتخاب نخست‌وزیر اقدام می‌نمود و تشکیل کابینه بر عهده نخست‌وزیر بود اما پس از آن رئیس‌جمهور مستقیماً اقدام به تشکیل کابینه می‌نمود.

۳- افزوده شدن نهادهای جدید به دولت: ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از ارکانی هستند که پی از انقلاب به نهاد دولت اضافه شدند. به موجب مقدمه قانون اساسی بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته شود آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصلی خود باشند؛ شورای نگهبان به منظور پاسداری از احکام اسلامی و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها تشکیل شده است.^۱ تفسیر قانون

^۱ - اصل نود و یک قانون اساسی

اساسی^۱ و نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان است.^۲ تعیین رهبری^۳ و نظارت بر عملکرد آن^۴ از وظایف مجلس خبرگان رهبری و حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام است.^۵

به موجب انقلاب، نهاد دولت در ایران دچار تحولات جدی گردید و ساختار رسمی سیاست را به کلی دگرگون نمود. ایده سازنده دولت در جمهوری اسلامی نسبتاً ایده منحصربه‌فردی بود، دلیل این امر نیز قرارگیری مذهب تشیع در موقعیت دولت‌سازی در جهان مدرن بود، به همین دلیل شاهد استمرار پیوند دین و دولت به‌عنوان میراث نهادی دولت سنتی اما در صورت‌بندی جدید هستیم. در این پژوهش از مفهوم «دولت مانتیکوری» برای تبیین ماهیت دولت در جمهوری اسلامی و منطق درونی رفتار دولت بهره خواهیم برد. مفهوم دولت مانتیکوری اشاره به ماهیت مرکب دولت از اجزای مختلف با منشاء و خاستگاه متفاوت دارد. دولت مانتیکوری پس از انقلاب دولتی است که در «ایده سازنده»، «ساختار» و «کارویژه‌های» خود یک دولت مرکب است.

ایده سازنده جمهوری اسلامی همان‌طور که از عنوان آن پیداست مرکب از جمهوریت و اسلامیت است. خاستگاه این ترکیب نهادی متفاوت است: در حالی که خاستگاه جمهوریت ریشه در دولت مدرن دارد، مبتنی بر مشروعیت زمینی است و به دنبال تحقق حاکمیت ملت است، خاستگاه اسلامیت بر مبنای تفسیر سنتی مبتنی بر مشروعیت الهی است و به دنبال تحقق حاکمیت خداوند در زمین است. ساختار دولت مانتیکوری نیز یک ساخت مرکب با اجزائی دارای منشاء متفاوت است. نهاد انتخابات به‌عنوان میراث نهادی انقلاب مشروطه، متأثر از رکن جمهوریت دولت و نهادهایی همچون ولایت فقیه، شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری متأثر از رکن اسلامیت آن می‌باشد. کارویژه‌های دولت مانتیکوری نیز دارای ماهیت مرکب و متعارض هستند، در حالی که دولت مانتیکوری کارویژه‌های توسعه‌ای دولت که در دوره پهلوی به واسطه رشد درآمدهای نفتی گسترش نمودند را حفظ نمود، پس از انقلاب کارویژه تحقق عدالت اجتماعی با محور سیاست‌های بازتوزیعی و کارویژه‌های فراسرزمینی با هدف تشکیل محور مقاومت و مبارزه با نظام سلطه را بر عهده گرفت.

دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان استثنائی‌ترین دولت در جهان امروزی در قالب یک الگوی متمایز در هر سه عرصه ساخت قدرت، اعمال قدرت و منابع مشروعیتی منعکس‌کننده شکل ترکیبی (سنتی و مدرن) از دولت مدرن است. حاکمیت در دولت جمهوری اسلامی منشاء استعلایی دارد و حکومت نیز با ابزارهای اعمال قدرت سنتی این حاکمیت را منعکس می‌کند. بنابراین حکومت در جمهوری اسلامی ماهیتاً ویژگی‌های دولت مدرن را که اساساً پدیده‌ای غربی است بر نمی‌تابد (سیف‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۸۰). در واقع دولت مانتیکوری به دلیل ماهیت مرکب خود دارای پارادایمی متفاوت با دولت مدرن است، از این رو این دولت دارای پارادوکس‌های درونی و تعارض‌های بیرونی است؛ این مسئله از چند جهت قابل بررسی است:

۱- یکی از عناصر دولت مدرن حاکمیت است، بر مبنای رکن اسلامیت دولت مانتیکوری حاکم مطلق خداوند است و شریعت به‌عنوان قانون او، اصلی‌ترین منبع حاکمیت قانون تلقی می‌شود. بنابراین، اراده حاکم خارج از اراده اتباع و محاط بر آن‌ها خواهد بود. به عبارت روشن‌تر، دولتی که خود را به‌عنوان نماینده خداوند می‌داند، به معانی خارج از خود استناد

۱ - اصل نود و هشتم قانون اساسی

۲ - اصل نود و نه قانون اساسی

۳ - اصل یکصد و هفتم قانون اساسی

۴ - اصل یکصد و نهم قانون اساسی

۵ - اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی

می‌نماید. بنابراین حکمرانی اسلامی با اهداف حکمرانی خارج و بزرگتر از خود مقید شده است، اما بر مبنای رکن جمهوریت دولت مانتیکوری مجموع اراده اتباع دولت، مبنای حاکمیت و بیانگر یک الزام درونی ناشی از ملاحظات خود است. از این رو هیچ اصلی در خصوص محدودیت استفاده از زور در سیاست مدرن وجود ندارد مگر اینکه خود را نماینده حاکمیت مردم طبق حاکمیت قانون بدانند. حلاق (۱۳۹۵) بر این باور است که دو دیدگاه متفاوت اسلام و مدرنیته در خصوص حاکمیت در یک بن‌بست متوقف خواهند ماند. بنابراین تناقض ذاتی مبانی دولت مدرن با متناظر خود در «شریعت»، اجتماع این دو را در انسداد اصل امتناع تناقض، ممتنع می‌نماید.

۲- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت مانتیکوری تجزیه منابع مشروعیت دولت است. در حالی که در دولت مدرن، مشروعیت دولت از آسمان به زمین و از مشروعیت الهی به مشروعیت زمینی انتقال یافت، در دولت مانتیکوری مشروعیت دولت میان زمین و آسمان معلق مانده است. بنابراین در حالی که در دولت مدرن انفکاک ساختاری وجود دارد، حوزه سیاست از سایر حوزه‌ها به‌ویژه مذهب مستقل است، کارکرد دولت معطوف به خیر عمومی است و نقش نگهبان را بازی می‌کند. اما در دولت مانتیکوری ترکیب حوزه سیاست و مذهب وجود دارد، مرزهای مذهب و سیاست مبهم و درهم است و دولت نقش مربی به خود می‌گیرد. بنابراین دولت مانتیکوری در ایران پس از انقلاب یک دولت دوسر است و از دو مرکز مختلف جمهوریت و اسلامیت فرمان می‌گیرد که هر کدام از این مراکز دارای پیشینه تاریخی، خاستگاه و بنیان‌های معرفتی متفاوت و متعارض است.

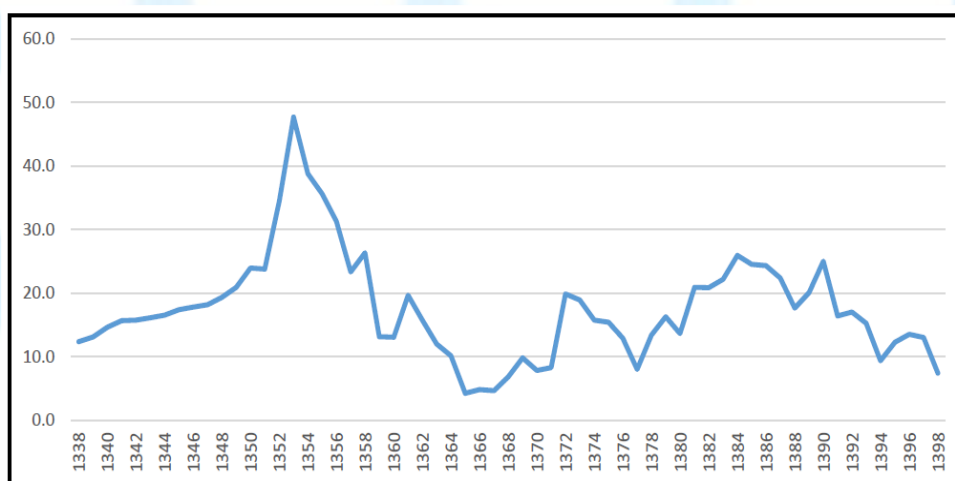
۳- جایگاه نهادها در دولت مانتیکوری دچار ابهام است، از این رو اختلاف جناح‌های سیاسی بر سر رویکردهای مختلف سیاستگذاری نیست، بلکه مبتنی بر مبانی بنیادی تاسیس دولت است. به‌عنوان مثال بر اساس تفسیر جناح راست ولایت فقیه اساس مشروعیت نظام و مافوق قانون اساسی و دارای اختیارات مطلق است و این مطلقیّت را به معنای حاکمیت بر اصول قانون اساسی و قدرت نقض آن و حتی تسلط و تصرف در امور شخصیه آحاد مردم تفسیر می‌کند. بر اساس تفسیر جناح چپ ولایت فقیه نماینده حاکمیت ملی است و ولی فقیه مشروعیت خود را از رأی مردم در چارچوب ضوابط تعیین‌شده از سوی شارع برای انتخاب رهبر می‌گیرد. مقام ولایت فقیه مقامی انتخابی از سوی مردم در چارچوب موازین دینی و نه مقامی انتصابی از سوی خداوند است و قانون اساسی یگانه عامل تضمین‌کننده اقتدار ولی فقیه به‌شمار می‌رود (حجاریان، ۱۳۷۹: ۴۵۲-۴۵۱).

۴- یکی از عناصر دولت مدرن سرزمین است و نظم دولت-ملت پذیرفته شده در اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دنیای امروز مبنای سرزمینی دارد در حالی که فقه به‌عنوان مهم‌ترین تولیدات فکری مسلمانان در حوزه دانش‌های عملی، تدوینگر قواعد زندگی در امت اسلام است و از این رو ماهیت فراسرزمینی دارد. بنابراین زمانی که فقهای شیعه در فرایند دولت‌سازی پس از انقلاب ۱۳۵۷ در موقعیت دولت‌سازی قرار گرفتند در درون پارادایمی اندیشیده و عمل نمودند که ماهیت فراسرزمینی داشت، از این رو کارویژه‌های فراسرزمینی را به نهاد دولت اضافه نمودند. بر اساس آنچه در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: ویژگی بنیادی انقلاب ۱۳۵۷ نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است و تحقق حکومت مستضعفین در زمین از اهداف اصلی انقلاب است. ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب، نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود و قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را داخل و خارج کشور فراهم می‌کند (جهانگیر، ۱۳۹۶: ۲۲-۱۱).

۷) دولت مانتیکوری و درآمدهای نفتی

در این پژوهش مفهوم دولت نفتی یا دولت رانتیر را مفهومی تقلیل‌گرایانه در تبیین ماهیت دولت در جمهوری اسلامی و درک منطق درونی آن می‌دانیم و بر این باوریم که نفت متغیری واسطه و دارای تاثیر مشروط بر ماهیت دولت و نحوه کنش آن می‌باشد. جهت تبیین این موضوع به این مسئله خواهیم پرداخت که رویکرد تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و عدم‌پذیرش نظم بین‌الملل موجود ریشه در ماهیت مانتیکوری دولت و گرایش‌های امت‌گرایانه نخبگان نهادساز آن دارد در حالی که درآمدهای نفتی نقشی مشروط و محدودکننده در کنش رهبران جمهوری اسلامی در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی طی چهار دهه پس از انقلاب بوده است. در دهه اول پس از انقلاب رویکرد ساختارشکنانه جمهوری اسلامی که توأم با انکار نظم جهانی و ضربه سیاسی به نظم دو قطبی صورت پذیرفت، از طرف آمریکا و اتحاد شوروی به عنوان تهدید امنیتی و استراتژیک محسوب گردیده و ضرورت مقابله با آن به وسیله جنگ فرسایشی با عراق اجتناب‌ناپذیر گردید (متقی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷). از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری بحران هسته‌ای و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل این است که جمهوری اسلامی برای خود رسالت جهانی قائل است و خود را به ابعاد کوچک‌تر از آن محدود نمی‌کند (راجی، ۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۲۸). نفت اگرچه متغیری مستقل در شکل‌گیری رویکرد تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی نسبت به نظم جهانی موجود نبوده است اما در عین حال کاهش درآمدهای نفتی در ایران پس از انقلاب به واسطه فشارهای ناشی از اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به گونه‌ای که سهم نفت از تولید ناخالص داخلی به کمتر از ده درصد برسد نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر کنش دولت دارد.

نمودار ۱. سهم نفت از تولید ناخالص داخلی (درصد) ۱۳۳۸-۱۳۹۸



منبع: داده‌های بانک مرکزی (<https://www.cbi.ir>)

نمودار یک سهم نفت از تولید ناخالص داخلی، در فاصله سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. رویکرد تجدیدنظرطلبانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به نظام جهانی و محیط منطقه‌ای خود که به واسطه گرایش‌های فراسرزمینی دولت مانتیکوری شکل گرفته بود، دو نقطه عطف تاریخی پس از انقلاب داشت که به تعبیر رهبران جمهوری اسلامی از آن‌ها با عنوان «نوشیدن جام زهر» و «نرمش قهرمانانه» یاد شده است. این دو نقطه عطف تاریخی یعنی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ و پذیرش برجام در سال ۱۳۹۴ که منجر به پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق و توافق ایران با قدرت‌های جهانی بر سر پرونده هسته‌ای ایران بود، در دوره‌هایی صورت پذیرفت که سهم نفت از تولید ناخالص داخلی به کمتر از ده درصد رسید. این مسئله نشانگر نقش محدودکننده نفت به‌عنوانی متغیری واسطه در ایران پس از انقلاب است.

نتیجه

دولت در جمهوری اسلامی ایران دارای سیر تکوین و تحول نهادی نسبتاً منحصربه‌فردی است و به واسطه سیر تحول تاریخی خود اجزای مختلفی از دولت پیشامدرن، دولت مشروطه و دولت اسلامی را در خود جمع نموده است. این عناصر که در ترکیبی ناسازگار با یکدیگر قرار گرفته‌اند، دارای بنیان‌های معرفتی و ریشه‌های تاریخی متفاوتی بوده و به همین دلیل ساخت درونی دولت را دچار تعارض نموده و دامنه کارویژه‌های آن را گسترش بخشیدند. وجود درآمدهای نفتی اگرچه ادامه حیات دولت را ممکن نموده اما در عین ساخت مانتیکوری دولت را پیچیده‌تر نموده و اصلاح نهادی دولت و رفع پارادوکس‌های درونی آن را به تاخیر انداخته است. دولت مانتیکوری نه تنها دارای ایده، ساختار و کارویژه‌های منحصربه‌فرد است بلکه به دلیل ساخت تاریخی خود از منطق درونی منحصربه‌فردی در حوزه‌های مختلف برخوردار است؛ به این معنا که اگر دولت در حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ در حال سیاستگذاری، کنشگری و یا انفعال است، درک منطق رفتاری دولت در هر حوزه مستلزم درک ایده، ساختار و کارویژه‌های مانتیکوری دولت در آن حوزه می‌باشد. بر مبنای بینشی که نهادگرایان تاریخی و صورتبندی مفهوم نظری دولت مانتیکوری در اختیارمان قرار می‌دهد، چنانچه بخواهیم منطق درونی دولت در جمهوری اسلامی و یا به تعبیر چگونگی شکل‌گیری و استمرار سیاست‌های دولت در سطح کلان را درک نماییم، بایستی سیر تحول تاریخی سیاستگذاری مزبور و ارتباط آن با ایده/ساختار/کارویژه دولت مانتیکوری را مورد بررسی قرار دهیم. از این رو آسیب‌شناسی حکمرانی در جمهوری اسلامی مستلزم فهم ماهیت مانتیکوری دولت و منطق اقتصاد سیاسی منحصربه‌فرد آن است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۲)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- ۳- بدیع، برتراند (۱۳۸۰)، دو دولت، قدرت و جامعه در غرب و سرزمین‌های اسلامی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).
- ۴- بشریه، حسین (۱۳۸۰)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- ۵- بشریه، حسین (۱۳۹۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۶- چاونس، برنارد (۱۳۹۰)، اقتصاد نهادی، ترجمه محمود متوسلی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۸- حجاریان، سعید (۱۳۷۹)، جمهوریت، افسون‌زدایی از قدرت، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۹- حلاق، وائل ابن (۱۳۹۵)، دولت ممتنع: اسلام، سیاست، مخمصه اخلاقی، ترجمه مهدی رضایی، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۱۰- درستی، احمد (۱۳۹۱)، دگرگونی ساخت دولت در ایران پیشامدرن، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- دلفروز، محمد تقی (۱۳۹۳)، دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- ۱۲- دلیر پور، پرویز (۱۳۸۶)، ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری ساخت دولت مدرن در دولت مدرن در ایران به اهتمام رسول افصلی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ۱۳- راجی، محمد مهدی (۱۳۹۲)، آقای سفیر، گفتگو با محمد جواد ظریف سفیر پیشین ایران در سازمان ملل متحد، تهران: نشر نی.
- ۱۴- روانسانی، شاپور (۱۳۹۰)، دولت و حکومت در ایران، تهران: نشر شمع.

- ۱۵- زیبایی، مهدی (۱۴۰۰)، «ظهور دولت مدرن در خاورمیانه از منظر رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان، صفحات ۵۸-۳۳.
- ۱۶- سناری، سجاد (۱۳۹۰)، «پارادایم قدرت به مثابه رهیافت نظری جدید و جایگزین نظریات دولت و نظام سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره سوم، تابستان، صفحات ۷۳-۴۵.
- ۱۷- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۶)، نگاهی جامعه‌شناختی به ساخت دولت در جمهوری اسلامی، در دولت مدرن در ایران به اهتمام رسول افضلی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ۱۸- شاکری، عباس (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، تهران: انتشارات رافع.
- ۱۹- شهابی، هوشنگ و خوان لینز (۱۳۹۳)، نظام‌های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر پردیس دانش.
- ۲۰- شیرکوند، سعید (۱۳۹۸)، رانتیرسم، رستگاه ناکارآمدی و فساد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۹۱)، اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها به کوشش خسرو نورمحمدی، تهران: نشر نی.
- ۲۲- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۲۳- فیرحی، داوود (۱۳۹۷)، اشتباه بزرگ سوت‌دهان ایرانی، گفتگو با دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷/۱۲/۲.
- ۲۴- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۵)، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۵- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۶- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز.
- ۲۷- کارل، تری لین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی، رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- ۲۸- گازیورسکی، مارک (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنیان دولت دست‌نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۹- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز و ترجمه نشر کتاب.
- ۳۰- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، نظام دو قطبی و جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۳۱- منصور، جهانگیر (۱۳۹۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران.
- ۳۲- میرترابی، سعید (۱۳۹۳)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس.
- ۳۳- میرترابی، سعید (۱۳۹۷)، «تحلیل روند دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب از منظر نهادگرایی تاریخی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره اول، بهار، صفحه ۵۱-۲۷.
- ۳۴- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی تحول دولت مدرن در غرب و ایران، در دولت مدرن در ایران به اهتمام رسول افضلی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ۳۵- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

منابع غیرفارسی

- ۱- Beblawi, Hazem and Giacomo Luciani (1987) The Rentier State. London: Croom Helm.
- ۲- Capoccia, Giovanni (2016): Critical Junctures, In The Oxford Handbook of Historical Institutionalism, Edited by Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, Oxford University Press.
- ۳- Lowi, Miriam (2009) Oil wealth and the Poverty of Politics: Algeria Compared. New York: Cambridge University Press.
- ۴- Mahdavy, Hossein (1970) The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier states: The Case of Iran. "In Studies in the Economic History of the Middle East ed. MA.

- ۵- Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate (2016): Historical Institutionalism in Political Science, In The Oxford Handbook of Historical Institutionalism, Edited by Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, Oxford University Press.
- ۶- Skacpol, teda (1996) Rentier state and shiite islam in the iranian revolution, in social revolution in modern world, New York, Combrige University Press.
- ۷- Smith, Benjamin (2004) Oil Wealth and Regime Survival in the Developing World, 1960-۹۹."American Journal of Political Science48,2:232-48
- ۸- Smith, Benjamin (2007) Hara Times in the landns of Plenty: Oil Politics in Iran and Indonesia. Ithaca: Cornell University Press.

منابع اینترنتی

- ۱- <https://www.Tsb.cbi.ir>
- ۲- <https://qavanin.ir/>